

تقدیم به تمام زنان و مردان آزادی خواهی که در راه ترویج و
ارتقای حقوق بشر پیکار می کنند و تحقق این حقوق را مقدمه
ضروری رهایی و شکوفایی همه جانبه ی نوع بشر می دانند.

محمدجعفر پوینده، شهریور ۱۳۷۷

پرسش و پاسخ درباره

حقوق بشر

لیا لوین

محمدجعفر پوینده

سلسله انتشارات

نشر قطره - ۱۸۷

علوم اجتماعی - ۱۴



نشر قطره

www.KetabFarsi.com

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب
اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر
(۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۹ آذر ۱۳۲۷)

پرسش و پاسخ
درباره‌ی
حقوق بشر

لیا لوین

با کاریکاتورهایی از

پلانتو

ترجمه‌ی

محمد جعفر پوینده

تهران، ۱۳۷۷

برگه‌ی فهرست‌نویسی پیش از انتشار

لوین، لیا Levni, Leah
پرسش و پاسخ درباره‌ی حقوق بشر / لیا لوین: کاریکاتورهایی از
پلانتو، ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده. - تهران: نشر قطره، ۱۳۷۷.
۲۱۶ ص. : مصور. - (سلسله انتشارات نشر قطره؛ ۱۸۷: علوم اجتماعی)
(۱۴)
عنوان اصلی: Human rights questions and answers
۱. حقوق بشر. الف. پلانتو (Plantu): مصور. ب. پوینده، محمد جعفر.
ج. عنوان.
پ ۴ / ل ۹ / ۲ / ۲۲۴۰ K ۳۴۱ / ۴۸۱

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Leah Levin
DROITS DE L'HOMME: QUESTIONS ET RÉPONSES
Illustré par Plantu
UNESCO, Paris, 1997. 3^e éditions
* * *

Leah Levin
HUMAN RIGHTS: Questions and Answers
UNESCO, 1996. Third edition.



پرمش و پاسخ درباره‌ی حقوق بشر
لیا لوین
کاریکاتورها: پلاتنو
ترجمه: محمدجعفر پوینده
چاپ اول: آذر ۱۳۷۷
چاپ دوم: دی ۱۳۷۷
چاپ: آفتاب
تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه
بها: ۸۰۰ تومان
حق چاپ برای نشر قطره محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۳۴۱-۰۲۹-۳ ISBN: 964-341-029-3

نشر قطره

خیابان انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۹، طبقه همکف

تلفن: ۶۴۶۶۳۹۴-۶۴۶۰۵۹۷

صندوق پستی ۳۸۳-۱۳۱۴۵

Printed in The Islamic Republic of Iran

محمدجعفر پوینده، نویسنده، مترجم و جامعه‌شناس در سال ۱۳۳۳ در اشکذر یزد در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. در ۶ سالگی وارد دبستان شد و از ۱۰ سالگی همراه با تحصیل برای کمک به تأمین معاش خانواده و خرید کتابهای مورد علاقه‌اش، در حرفه‌های مختلف مشغول به کار شد. از جمله فعالیت‌های او در دوره دبیرستان شرکت در گروه‌های روزنامه‌نگاری و نوشتن مقالات و شعر در مجله کیهان بچه‌ها بود.

در سال ۱۳۴۹ دیپلم گرفت و همان سال در شمار نفرات اول کنکور در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران معرفی شد. در دوره دانشگاه از فعالین مبارزات دانشجویی علیه رژیم شاه بود. در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل در رشته جامعه‌شناسی وارد دانشگاه سوربون فرانسه شد و در سال ۱۳۵۶ مدرک فوق لیسانس خود را از این دانشگاه دریافت کرد. در طول دوره فوق لیسانس، وی همگام با دیگر دانشجویان خارج از کشور، در مبارزات ضد رژیم پهلوی فعالیت داشت و در شهریور ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب به ایران بازگشت.

پوینده مظهر تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر بود. یک ماه پیش سقف اتاق اجاره‌اش فرو ریخت و میز کار و کتابهایش با آوار پوشانده شد و تا سقف اتاق را تعمیر کند، خود بیمار شد. او روزی ۲۰ ساعت پشت میز کار قدیمی‌اش کار می‌کرد. درخت تناور اندیشه او بار دانش گرفته بود و تازه داشت شکوفه می‌داد که...

محمدجعفر پوینده، یکی از بزرگترین محققان توسعه فرهنگی بود. یکی از مهمترین مباحثی که وی در اکثر مقالات خود مطرح ساخته است آزادی بیان و اندیشه بدون قید و شرط بوده است که این مبحث از اهداف اصلی کانون نویسندگان ایران محسوب می‌شود.

از سن ۲۵ سالگی، ترجمه و برگردان آثار مختلف را از زبان فرانسه به فارسی شروع کرد. اولین کتاب وی در سال ۱۳۶۷ تحت عنوان پیر دختر، اثر اونوره دوبالزاک به چاپ رسید.

محمدجعفر پوینده در آخرین گفتگویی که از او چاپ شده است می‌گوید: «نویسنده باید بار دو مسئولیت بزرگ را که مایه عظمت کار اوست، بر دوش گیرد: خدمت‌گزاری حقیقت و خدمت‌گزاری آزادی، نویسنده باید شرف هنر را پاس بدارد...» و همه عمر جعفر پوینده، صرف پاس داشتن این شرف شد و مرگش نیز...

اگر خاطره محمدجعفر پوینده فقط برای خانواده، دوستان و نزدیکانش باقی می‌ماند، کتابهایش و زندگی پر تلاشش که زیباترین کتابش بود، بزرگترین میراث او برای همه ما است.

حاصل خدمت‌گزاری او به حقیقت و آزادی، بیش از ۲۰ کتاب است که تنها ۱۷ اثر تاکنون به چاپ رسیده است.

کتابهای چاپ شده محمدجعفر پوینده عبارتند از:

- ۱- پیر دختر، نوشته اونوره دوبائزاک، ۱۳۶۷
 - ۲- گویسک رباخوار، نوشته اونوره دوبائزاک، ۱۳۶۷
 - ۳- آموزش و تربیت کودکان، نوشته ماکارنکو، ۱۳۷۰
 - ۴- راه زندگی، نوشته ماکارنکو، ۱۳۷۰
 - ۵- جامعه‌شناسی ادبیات، نوشته لوسین گلدمن، ۱۳۷۱
 - ۶- سودای مکالمه، خنده، آزادی، نوشته میخائیل باختین، ۱۳۷۳
 - ۷- جامعه‌شناسی رمان، نوشته جورج لوکاج، ۱۳۷۵
 - ۸- جامعه، فرهنگ، ادبیات، نوشته لوسین گلدمن، ۱۳۶۷
 - ۹- سپیده‌دمان فلسفه تاریخ بورژوازی، نوشته ماکس هورکهایمر، ۱۳۶۷
 - ۱۰- اگر فرزند دختر دارید...، نوشته التا جانینی بلوتی، ۱۳۶۷
 - ۱۱- مکتب بودایست، نوشته لوکاج و شاگردان او، ۱۳۷۷
 - ۱۲- درآمدی بر هگل، نوشته ژاک دونت، ۱۳۷۷
 - ۱۳- درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ۱۳۷۷
 - ۱۴- پیکار با تبعیض جنسی، نوشته آندره میشل، ۱۳۷۶ (یونسکو)
 - ۱۵- سیاست ملی کتاب، نوشته الوارو گارتونز، ۱۳۷۷ (یونسکو)
 - ۱۶- پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، نوشته لیا لوین، ۱۳۷۷ (یونسکو)
 - ۱۷- اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، نوشته جانسون، ۱۳۷۷ (یونسکو)
- از محمدجعفر پوینده کتابهایی نیز در دست انتشار است:
- ۱- تاریخ و آگاهی طبقاتی، نوشته جورج لوکاج
 - ۲- تحولات خانواده، نوشته جمشید بهنام
 - ۳- زبان‌شناسی اجتماعی، نوشته ژان-لویی کالوه
 - ۴- درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نوشته محمد شکرآوی
 - ۵- کاپوس اقتصادی، نوشته ویویان فورستر
 - ۶- زنان از دید مردان، نوشته بنوات گرو
 - ۷- در شناخت اندیشه گلدمن، نوشته سامی نعیر
 - ۸- آرزوهای بر باد رفته، نوشته اونوره دوبائزاک
 - ۹- هگل و اندیشه فلسفی در روسیه: ۱۸۳۰ - ۱۹۱۷، نوشته گی - پلانتی بونزور
 - ۱۰- نقدی بر فلسفه معاصر روسیه، نوشته گی - پلانتی بونزور

مسئولیت‌گزینش و تنظیم نکات مندرج در این کتاب و آرای بیان شده در آن بر عهده‌ی نویسنده - آقای لیا لوین - است. این نکات و آرا الزاماً بیان‌کننده‌ی دیدگاه‌های یونسکو نیستند و این سازمان را متعهد نمی‌سازند.

القاب به کار رفته و عرضی اطلاعات مندرج در این اثر با هیچ‌گونه موضوع‌گیری سازمان یونسکو درباره‌ی وضعیت حقوق هیچ کشور، سرزمین، شهر یا منطقه و یا در مورد مرزها و محدوده‌های شان همراه نیست.

متن اصلی این کتاب را سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) منتشر کرده است:

7, place de Fontenoy
75352 Paris 07 SP, France

چاپ اول متن اصلی، ۱۹۸۱
متن انگلیسی: تجدید چاپ با اصلاحات، ۱۹۸۲؛ چاپ دوم همراه با تازه‌ترین تغییرات و افزوده‌ها، ۱۹۸۹؛ چاپ سوم، ۱۹۹۶.

چاپ جدید و تجدیدنظر شده‌ی متن اصلی همراه با تازه‌ترین تغییرات و افزوده‌ها، ۱۹۹۷.

چاپ اول این کتاب به شانزده زبان منتشر شده است: انگلیسی، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۹؛ فرانسوی، ۱۹۸۱؛ اسپانیایی، ۱۹۸۲؛ فنلاندی، ۱۹۸۳؛ آلمانی، ۱۹۸۳؛ یونانی، ۱۹۸۵؛ پرتغالی، ۱۹۸۵؛ سوئدی، ۱۹۸۵؛ عربی، ۱۹۸۶؛ دانمارکی، ۱۹۸۶؛ اندونزیایی، ۱۹۸۷؛ ژاپنی، ۱۹۸۸؛ روسی، ۱۹۹۳؛ اسلواکی، ۱۹۹۳؛ ارمنی، ۱۹۹۴؛ بیلاروسی، ۱۹۹۵.

فهرست

پیش‌گفتار	۱۷
بخش اول: قوانین بین‌المللی حقوق بشر	
پرسش‌ها و پاسخ‌ها	۲۹
۱. حقوق بشر، یعنی چه؟	۲۹
۲. آیا مفهوم حقوق بشر پذیرش عام و جهان‌گستر یافته است؟	۲۹
۳. این ارزش‌ها چگونه در عمل به اجرا درمی‌آیند؟	۳۰
۴. مفهوم حفظ حقوق بشر چگونه رواج فزاینده یافته است؟	۳۰
۵. ضرورت بین‌المللی شدن حفظ حقوق بشر چگونه شکل گرفته است؟	۳۱
۶. حمایت از حقوق بشر چگونه در عمل به نتیجه رسیده است؟	۳۴
۷. قانون بین‌المللی حقوق بشر چگونه شکل گرفت؟	۳۶
۸. چه حقوقی در اعلامیه‌ی جهانی بیان شده‌اند؟	۳۶
۹. آیا دولت‌هایی که به هنگام تصویب اعلامیه‌ی جهانی عضو سازمان ملل متحد نبوده‌اند، این اعلامیه را پذیرفته‌اند؟	۳۷
۱۰. منشور بین‌المللی حقوق بشر از چه اسناد دیگری تشکیل شده است؟	۳۸
۱۱. پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر چه تفاوتی با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دارند؟	۳۹
۱۲. پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از چه حقوقی حمایت می‌کند؟	۴۰
۱۳. برای به اجرا درآمدن مقررات پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چه وسایلی پیش‌بینی شده است؟	۴۴

۱۴. نظام گزارش‌گری کمیته‌ی حقوق بشر چه تأثیری دارد؟ ۴۳
۱۵. آیا کمیته‌ی حقوق بشر می‌تواند شکایت‌های افراد را بررسی کند؟ ۴۵
۱۶. آیا دولت‌ها به تصمیمات این کمیته احترام می‌گذارند؟ ۴۶
۱۷. پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از چه حقوقی حمایت می‌کند؟ ۴۸
۱۸. برای تضمین اجرای پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چه ساخت‌کاری پیش‌بینی شده است؟ ۴۸
۱۹. برای کمک به دولت‌های عضو در اجرای این پیمان چه وسایلی پیش‌بینی شده است؟ ۵۱
۲۰. آیا کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رویه‌های دیگری را به کار بسته است؟ ۵۴
۲۱. آیا نظارت دقیق بین‌المللی بر اجرای تعهدات مربوط به حقوق بشر، دخالت در امور داخلی دولت‌ها به حساب می‌آید؟ ۵۲
۲۲. علاوه بر منشور بین‌المللی حقوق بشر، دیگر اسناد مهم ملل متحد در عرصه‌ی حقوق بشر کدام‌ها هستند؟ ۵۴
۲۳. برای پیش‌گیری از کشتار جمعی چه تدابیری پیش‌بینی شده است؟ ۵۶
۲۴. اصل عدم تبعیض در چه اسناد دیگری بسط یافته است؟ ۵۶
۲۵. کدام سند به پیکار با تبعیض نژادی اختصاص یافته است؟ ۵۶
۲۶. معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی چگونه به اجرا درمی‌آید؟ ۵۷
۲۷. کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی چه اقدامات دیگری می‌تواند انجام دهد؟ ۵۸
۲۸. آیا افراد می‌توانند در مورد تجاوز به معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، به کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی شکایت کنند؟ ۵۸
۲۹. آیا این اصول در دیگر اسناد نیز یافت می‌شوند؟ ۵۹
۳۰. برای پیکار با تبعیض جنسی چه مقرراتی تدوین شده است؟ ۵۹
۳۱. چرا معاهده‌ی جداگانه‌ای به حقوق زنان اختصاص یافته است؟ ۶۰
۳۲. برای تضمین برابری وضعیت زنان چه راهبردهایی پی‌گیری شده است؟ ۶۲

۳۳. آیا در قوانین بین‌المللی حقوق بشر از حقوق کودکان حمایت شده است؟ ۶۳
۳۴. برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها چه اقداماتی صورت گرفته است؟ ۶۷
۳۵. برای حمایت از اشخاص متعلق به اقلیت‌ها چه مقرراتی پیش‌بینی شده است؟ ۶۷
۳۶. در کدام یک از دیگر اسناد حقوق بشر به حقوق اقلیت‌ها اشاره شده است؟ ۶۸
۳۷. چرا مسأله‌ی اقلیت‌ها فوریت و ضرورت بیشتری یافته است؟ ۶۸
۳۸. آیا برای حل این مسائل رویه‌های جهانی وجود دارند؟ ۷۰
۳۹. آیا برای حل این مسائل رویه‌های منطقه‌ای وجود دارند؟ ۷۰
۴۰. برای حفظ حقوق افراد بومی چه تدابیری پیش‌بینی شده است؟ ۷۱
۴۱. برای حفظ حقوق بشر در دوران جنگ چه مقرراتی تدوین شده است؟ ۷۲
۴۲. در زمان درگیری مسلحانه، چه حمایتی برای افراد در نظر گرفته شده است؟ ۷۴
۴۳. برای برخورد با تجاوزات آشکار به حقوق انسان دوستانه چه وسایلی پیش‌بینی شده است؟ ۷۴
۴۴. سازمان ملل متحد با چه وسایل دیگری می‌تواند در برابر نقض حقوق انسان دوستانه‌ی بین‌المللی واکنش نشان دهد؟ ۷۶
۴۵. آیا در قوانین بین‌المللی از پناهندگان حمایت شده است؟ ۷۶
۴۶. حمایت از پناهندگان چگونه صورت می‌گیرد؟ ۷۷
۴۷. آیا برای حمایت از پناهندگان، نظام‌های منطقه‌ای وجود دارد؟ ۷۸
۴۸. اگر شخصی قربانی نقض حقوق بشر شود، می‌تواند به سازمان ملل متحد شکایت کند؟ ۷۸
۴۹. به شکایت‌ها چگونه رسیدگی می‌شود؟ ۸۰
۵۰. کمیسیون حقوق بشر برای روبرویی با نقض حقوق بشر چه تدابیر دیگری در پیش گرفته است؟ ۸۳
۵۱. رویه‌های موضوعی کدام‌ها هستند؟ ۸۴
۵۲. آیا وضعیت کشوری معین را می‌توان مورد بررسی بسیار دقیق قرار داد؟ ۸۷
۵۳. هدف اصلی این رویه‌های ویژه چیست؟ ۸۷

۵۴. رویه‌های ویژه چه اهمیتی دارند؟ ۸۸
۵۵. چه نهادهای نازده‌ای در عرصه‌ی حقوق بشر ایجاد شده است؟ ۸۸
۵۶. کمیسر عالی حقوق بشر چه مأموریتی دارد؟ ۸۹
۵۷. مرکز حقوق بشر ملل متحد چه مسئولیت‌هایی دارد؟ ۹۰
۵۸. سازمان ملل متحد برای تشویق حفظ و ارتقای حقوق بشر، چه کمک عملی‌ای در اختیار دولت‌ها می‌گذارد؟ ۹۱
۵۹. کدام یک از نهادهای ملل متحد، در عرصه‌ی صلاحیت خودشان رویه‌های ویژه‌ای برای حمایت از حقوق بشر پیش‌بینی کرده‌اند؟ ۹۳
۶۰. در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) چه ساخت‌کارهایی وجود دارند؟ ۹۳
۶۱. آیا یونسکو می‌تواند شکایت‌های مربوط به نقض حقوق بشر را دریافت کند؟ ۹۶
۶۲. یونسکو برای حفظ و ارتقای حقوق بشر چه فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهد؟ ۹۸
۶۳. سازمان بین‌المللی کار در ارتقای حقوق بشر چه نقشی دارد؟ ۱۰۰
۶۴. سازمان بین‌المللی کار از چه راه‌هایی می‌تواند اطمینان یابد که حکومت‌ها تعهدات‌شان را به‌جای آورند؟ ۱۰۱
۶۵. برای تضمین اجرای قواعد سازمان بین‌المللی کار چه رویه‌های دیگری پیش‌بینی شده است؟ ۱۰۲
۶۶. برای حمایت از حقوق اتحادیه‌ای چه مقرراتی در نظر گرفته شده است؟ ۱۰۴
۶۷. آیا برای دفاع از حقوق بشر نظام‌های منطقه‌ای وجود دارد؟ ۱۰۵
۶۸. شورای اروپا برای حمایت از حقوق بشر چه تدبیرهایی اتخاذ کرده است؟ ۱۰۵
۶۹. شورای اروپا چگونه از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حمایت می‌کند؟ ۱۰۷
۷۰. شورای اروپا در چه عرصه‌های مهم دیگری فعالیت می‌کند؟ ۱۰۸
۷۱. شورای اروپا چگونه از حقوق اقلیت‌ها حمایت می‌کند؟ ۱۰۹
۷۲. آیا شورای اروپا کمک‌های عملی در اختیار دولت‌ها می‌گذارد؟ ۱۱۰

۷۳. سازمان وحدت آفریقا (OUA) برای حمایت از حقوق بشر چه تدبیرهایی اتخاذ کرده است؟ ۱۱۰
۷۴. در منشور آفریقایی حقوق بشر از چه حقوقی حمایت شده است؟ ۱۱۰
۷۵. برای تحقق منشور آفریقایی حقوق بشر چه راه‌هایی پیش‌بینی شده است؟ ۱۱۱
۷۶. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر وظایفش را چگونه انجام می‌دهد؟ ۱۱۲
۷۷. آیا دولت‌ها یا افراد می‌توانند از موارد نقض حقوق بشر به این کمیسیون شکایت کنند؟ ۱۱۲
۷۸. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر چگونه می‌تواند به ارتقای حقوق مندرج در منشور آفریقایی حقوق بشر یاری رساند؟ ۱۱۳
۷۹. سازمان وحدت آفریقا چه تدبیرهای جدیدی در پیش گرفته است؟ ۱۱۳
۸۰. سازمان دولت‌های آمریکایی (OEA) برای حمایت از حقوق بشر چه اقداماتی انجام داده است؟ ۱۱۴
۸۱. کدام یک از دیگر سازمان‌های بین‌حکومتی بخشی از فعالیت‌های‌شان را به حمایت از حقوق بشر اختصاص می‌دهند؟ ۱۱۵
۸۲. آیا برای ایجاد نظام‌های منطقه‌ای دیگری کوشش می‌شود؟ ۱۱۷
۸۳. سازمان‌های غیرحکومتی در ارتقای حقوق بشر چه نقشی دارند؟ ۱۱۷
۸۴. اجرای واقعی و مؤثر حقوق بشر در گرو کدام پیش‌شرط‌های اساسی است؟ ۱۱۸
۸۵. سازمان ملل متحد برای تضمین شناخت هرچه بهتر حقوق بشر چه تدبیرهایی اندیشیده است؟ ۱۱۸
۸۶. یونسکو به نازگی در زمینه‌ی آموزش حقوق بشر به چه ابتکارهایی دست زده است؟ ۱۲۱
۸۷. جامعه‌ی بین‌المللی آموزش حقوق بشر را چگونه تشویق می‌کند؟ ۱۲۳

بخش دوم: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و معنای ماده‌های مختلف آن

- ماده‌ی ۱ ۱۲۹

آیا این ماده به معنای آن است که همه‌ی افراد برابر هستند؟ ۱۲۹

ماده‌ی ۲ ۱۳۲

ماده‌ی ۷ ۱۳۲

برای توجیه تبعیض نژادی چه بهانه‌هایی آورده می‌شود؟ ۱۳۲

ماده‌ی ۳ ۱۳۶

آیا دولت باید این حقوق را تضمین کند؟ ۱۳۶

در قوانینی که مجازات اعدام را پذیرفته‌اند، حق زندگی چه وضعی پیدا می‌کند؟ ۱۳۷

آیا برای القای مجازات اعدام اسناد بین‌المللی وجود دارند؟ ۱۳۹

ماده‌ی ۴ ۱۴۰

امروزه بردگی چه معنایی دارد؟ ۱۴۰

برای ریشه کن ساختن تمام شکل‌های بردگی از چه وسایلی می‌توان استفاده کرد؟ ۱۴۲

ماده‌ی ۵ ۱۴۳

شکنجه چیست؟ ۱۴۳

در رفتار ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز چه معنایی دارد؟ ۱۴۴

شکنجه چرا و کجا اعمال می‌شود و شکنجه‌گران چه کسانی هستند؟ ۱۴۴

آیا شکنجه را می‌توان توجیه کرد؟ ۱۴۵

برای پایان بخشیدن به شکنجه چه می‌توان کرد؟ ۱۴۵

مهم‌ترین مواد معاهده‌ی ملل متحد درباره‌ی منع شکنجه کدام‌ها هستند؟ ۱۴۷

چه ساخت‌کارهایی اجرای معاهده‌ی منع شکنجه را تضمین می‌کنند؟ ۱۴۸

آیا ملل متحد ساخت‌کارهای دیگری برای پیش‌گیری از شکنجه دارد؟ ۱۴۹

آیا اسناد منطقه‌ای درباره‌ی شکنجه وجود دارد؟ ۱۵۰

آیا برای برخورد به زندانیان قانونی بین‌المللی وجود دارد؟ ۱۵۰

ماده‌ی ۶ ۱۵۱

ماده‌ی ۸ ۱۵۱

کسی که حقوق به رسمیت شناخته‌ی او در قانون اساسی یا سایر قوانین نقض شده است، چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ ۱۵۲

ماده‌ی ۹ ۱۵۴

آیا توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه را به هیچ وجه می‌توان توجیه کرد؟ ۱۵۴

ماده‌ی ۱۰ ۱۵۵

ماده‌ی ۱۱ ۱۵۵

ماده‌ی ۱۲ ۱۵۸

ماده‌ی ۱۳ ۱۵۹

آزادی رفت و آمد را چگونه می‌توان محدود کرد؟ ۱۶۰

ماده‌ی ۱۴ ۱۶۱

پناهندگی چه معنایی دارد؟ ۱۶۱

ماده‌ی ۱۵ ۱۶۲

چرا افراد باید تابعیت داشته باشند؟ ۱۶۲

برای اشخاصی که از تابعیت‌شان محروم شده‌اند، چه حمایتی وجود دارد؟ ۱۶۲

ماده‌ی ۱۶ ۱۶۳

ماده‌ی ۱۷ ۱۶۴

ماده‌ی ۱۸ ۱۶۵

ماده‌ی ۱۹ ۱۶۷

آیا هیچ ابزار بین‌المللی برای تضمین آزادی رسانه‌ها و اطلاعات و اخبار وجود دارد؟ ۱۶۷

آیا این آزادی‌ها مطلق هستند؟ ۱۶۹

ماده‌ی ۲۰ ۱۷۰

ماده‌ی ۲۱ ۱۷۲

ماده‌ی ۲۲ ۱۷۲

ماده‌ی ۲۳ ۱۷۷

شرایط کار و حقوق کارگران را کدام مقررات بین‌المللی تضمین می‌کنند؟	۱۷۷
ماده‌ی ۲۴	۱۷۸
ماده‌ی ۲۵	۱۷۹
حق برخورداری از سطح زندگی مناسب یعنی چه؟	۱۷۹
ماده‌ی ۲۶	۱۸۱
آموزش و پرورش چگونه به ارتقای رعایت حقوق بشر کمک می‌کند؟	۱۸۲
ماده‌ی ۲۷	۱۸۴
ماده‌ی ۲۸	۱۸۵
چه امکانی برای بهبود این وضعیت وجود دارد؟	۱۸۵
ماده‌ی ۲۹	۱۸۹
آیا اِعمال محدودیت‌هایی بر آزادی بیان و آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی در محروم‌ترین مناطق، برای محور قرار دادن ارتقای حقوق اقتصادی و اجتماعی توجیه‌پذیر است؟	۱۹۰
افراد چه وظایفی دارند؟	۱۹۱
اشخاص و گروه‌هایی که برای تضمین ارتقا و رعایت حقوق بشر تلاش می‌ورزند، از چه حمایتی برخوردار هستند؟	۱۹۱
ماده‌ی ۳۰	۱۹۲
توضیحات	۱۹۵

پیش‌گفتار

تاریخ بشر نمایش‌گر کوشش‌های آدمیان برای تضمین رعایت حیثیت و کرامت انسان‌ها است. مفهوم حقوق بشر را متفکرانی از سنت‌های دینی و فرهنگی متفاوتی ابداع کرده و گسترش داده‌اند. دولت‌مداران و حقوق‌دانان به ارتقا و رواج این اندیشه یاری بسیار رسانده‌اند و اصول و هنجارهای مکتوب برای حفظ حقوق افراد، به تدریج در قوانین کشورهای مختلف ثبت شده‌اند.

همچنین برای تعیین قواعد بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر نیز به‌ویژه در قرن نوزدهم و پس از جنگ جهانی اول گام‌های بسیاری برداشته شد. اما تازه در نیمه‌ی دوم قرن بیستم بود که به شکرانه‌ی تلاش‌های سازمان ملل متحد، نهادهای تخصصی آن و سازمان‌های بین‌دولتی منطقه‌ای، یک نظام بین‌المللی گسترده برای حفظ و ارتقای حقوق بشر ایجاد شد.

«منشور ملل متحد» در دیباچه‌ی خود، تصمیم دولت‌های عضو را به اعلام «اعتقادشان به حقوق اساسی بشر، حیثیت، کرامت و ارزش شخص انسان و به برابری حقوق مردان و زنان...» بیان کرده است. جنگ جهانی دوم نشان داد که نقض گسترده‌ی حقوق بشر در عرصه‌ی

داخلی ممکن است به برهم خوردن صلح بین‌المللی بینجامد. پس از نکبت‌ها و دهشت‌های این جنگ دیگر تردیدی نبود که «شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است»^۱. این نکته در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ثبت شده، اعلامیه‌ای که سنگ بنای قوانین بین‌المللی در مورد حقوق بشر در سال‌های پس از تصویب آن شده است. دو پیمان بین‌المللی مربوط به حقوق بشر (۱۹۶۶) که حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تعیین می‌کنند، از دستاوردهای درخشان همین دوران هستند.

در حال حاضر قوانین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر بیش از هشتاد معاهده‌ی جهانی یا منطقه‌ای^۲ را در بر می‌گیرند که دولت‌های عضو را متعهد می‌سازند و به «حقوق الزام‌آور» موسوم‌اند. شمار بسیار بیشتری از اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌ها در مورد حقوق بشر نیز وجود دارند که به تصویب سازمان‌های بین‌المللی رسیده‌اند اما دولت‌ها را به‌طور رسمی متعهد نمی‌کنند. ولی در هر حال این اسناد با تأثیرگذاری بر رویه‌ی بین‌المللی و ملی در عرصه‌ی حقوق بشر، به ایجاد هنجارهای مرسوم یاری می‌رسانند و بدین ترتیب سازنده‌ی چیزی هستند که می‌توان آن را «حقوق غیر الزام‌آور» نامید. اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌ها در بیشتر موارد، نخستین گام مهم در راه تدوین اسناد الزام‌آور محسوب می‌شوند.

اگرچه در زمینه‌ی تدوین و گسترش فزاینده‌ی قوانین بین‌المللی

۱. به نقل از سطر اول دیباچه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر.

۲. این اسناد و دولت‌های امضاکننده‌ی آن‌ها در یکی از انتشارات سالانه‌ی یونسکو با عنوان زیر معرفی شده‌اند:

Droits de l'homme. Les principaux instruments internationaux.

حقوق بشر به دستاوردهای تردیدناپذیری رسیده‌ایم، در عرصه‌ی رعایت حقوق بشر نمی‌توان از چنین پیشرفتی سخن گفت؛ برعکس، واقعیت تأسف‌بار آن است که حقوق بشر هر روزه در بسیاری از نقاط دنیا نقض می‌شود. اجرا و رعایت واقعی این حقوق در گرو چندین عامل است که در رأس آن‌ها باید از شناخت قواعد، رویه‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط نام برد: تردیدی نیست که رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی فقط در صورتی امکان‌پذیر می‌شود که مردم آن‌ها را بشناسند.

بنابر این آموزش حقوق بشر اهمیتی گسترده دارد که در چندین سند بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال در بند دوم ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است که: «هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد». ترتیبات مشابهی در بعضی از معاهده‌های بین‌المللی یافت می‌شود.^۱ این بدان معنا است که دولت‌ها از این پس متعهد شده‌اند که وسایل و امکانات آموزش حقوق بشر را فراهم آورند.

آموزش حقوق بشر یکی از جنبه‌های مهم فعالیت‌های یونسکو است که اساس نامه‌اش ضرورت تضمین رعایت جهان‌گستر عدالت، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مقرر می‌دارد. یونسکو برای ترویج آموزش حقوق بشر در سال ۱۹۷۴ سند رهنمودی ویژه‌ای را

۱. معاهده‌ی یونسکو درباره‌ی بیکار با تبعیض آموزشی (ماده‌ی ۴)، پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده‌ی ۱۳)، معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض نژادی (ماده‌ی ۷)، معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض بر ضد زنان (ماده‌ی ۱۰)، معاهده‌ی حقوق کودک (ماده‌ی ۲۰).

تصویب^۱ و از آن زمان تاکنون، همگام با بسیاری از فعالیت‌های دیگر، سه گردهمایی مهم درباره‌ی این موضوع برگزار کرده است.

اولین این گردهمایی‌ها، کنگره‌ی بین‌المللی آموزش حقوق بشر بود که در ۱۹۷۸ در وین (اتریش) برگزار شد. این کنگره هدف‌های تعلیم و آموزش حقوق بشر را چنین تعیین کرد: تشویق برخورداردهای مبتنی بر دگرپذیری، احترام و همبستگی؛ کسب شناخت و اطلاعات درباره‌ی حقوق بشر و آگاه ساختن افراد از راه‌ها و وسایلی که به یاری آن‌ها حقوق بشر را می‌توان به واقعیت اجتماعی و سیاسی بدل کرد. دومین کنگره که در ۱۹۸۷ در مالت برگزار شد، اصول راهنمای آموزش حقوق بشر را در سطوح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای تعریف کرد و بر ضرورت ایجاد نظام کامل آموزش و تعلیم حقوق بشر، به یاری مشارکت گسترده‌ی سازمان‌های عمومی و رسانه‌ها تأکید ورزید.

سومین کنگره در مارس ۱۹۹۳ در مونترآل (کانادا) برگزار شد.^۲ در این زمان جنگ سرد پایان یافته و این کنگره نخستین گردهمایی بین‌المللی‌ای بود که پیوند ذاتی میان حقوق بشر و دموکراسی را خاطر نشان می‌کرد. در «برنامه‌ی عمل جهانی برای آموزش حقوق بشر و دموکراسی» که در این کنگره به تصویب رسید، آمده است که آموزش دموکراسی بخش مکمل و جدایی‌ناپذیر آموزش حقوق بشر است، آموزشی که فقط پیش شرط اجرای کامل حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی نیست، بلکه خود نیز یکی از حقوق بشر است.

۱. توصیه درباره‌ی آموزش تفاهم، همکاری و صلح بین‌المللی و آموزش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

۲. این کنگره را یونسکو و مرکز حقوق بشر ملل متحد با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در کانادا برگزار کردند.

اهمیت آموزش حقوق بشر در اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین نیز که در کنفرانس جهانی حقوق بشر (ژوئن ۱۹۹۳) به تصویب تمام نمایندگان ۱۷۱ دولت رسید، خاطر نشان شده است. در این کنفرانس تأکید مجدد شد که رعایت حقوق بشر از عوامل ضروری هر دموکراسی راستینی است؛ از مفاهیم جهان‌گستر بودن و وحدت حقوق بشر پشتیبانی بی‌قید و شرط به عمل آمد. در ماده‌ی ۵ اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین آمده است که تمام مواد حقوق بشر جهان‌گستر، جدایی‌ناپذیراند و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند؛ و در همین ماده خاطر نشان شده که «جامعه‌ی بین‌المللی باید مجموع حقوق بشر را به نحوی عادلانه و منصفانه، بر پایه‌ای برابر در نظر گیرد و به تمام این حقوق اهمیتی یکسان بدهد».

بر طبق توصیه‌های کنفرانس وین، دهه‌ی ۱۹۹۵-۲۰۰۴ به عنوان دهه‌ی ملل متحد برای آموزش حقوق بشر اعلام شد.^۱ مسئولیت هماهنگی اجرای برنامه‌ی عمل این دهه بر عهده‌ی کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد قرار گرفت. در این برنامه پیش‌بینی شده که یونسکو نیز باید با همکاری کمیساری عالی و مرکز حقوق بشر ملل متحد در تدوین، اجرا و ارزیابی طرح‌های مورد نظر نقشی محوری ایفا کند.

در یادداشت همکاری‌ای که در اکتبر ۱۹۹۵ به امضای مدیرکل یونسکو و کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد رسیده، همکاری تنگاتنگ در اجرای فعالیت‌های مربوط به آموزش حقوق بشر و دموکراسی پیش‌بینی شده است.

هدف درازمدت یونسکو، ایجاد یک نظام گسترده برای آموزش حقوق بشر، دموکراسی و صلح است که تمام سطوح آموزشی را دربرگیرد و در

۱. قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۹/۱۸۴ مجمع عمومی، به تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴.

دسترس همگان باشد. به عبارت دیگر این نظام باید آموزش مدرسه‌ای، آموزش بیرون از مدرسه و آموزش بزرگسالان را نیز دربرگیرد.

یونسکو در اساس می‌کوشد به دولت‌های عضو برای تدوین راهبردهای ملی آموزش حقوق بشر یاری رساند؛ این سازمان به تهیه و توزیع کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی می‌پردازد و توجه بسیار ویژه‌ای به تقویت شبکه‌های مشوق آموزش حقوق بشر و دموکراسی می‌کند. از میان این شبکه‌ها می‌توان نظام مدارس وابسته^۱ و نظام کرسی‌های یونسکو را نام برد که در تمام مؤسسات آموزش عالی همه‌ی مناطق جهان ایجاد شده‌اند.

هدف نهایی این کوشش‌ها ایجاد فرهنگ حقوق بشر و دموکراسی، جلب توجه همگان به پذیرش این دو ارزش اساسی و هدایت یکایک افراد به دفاع مصممانه از همین ارزش‌ها در زندگی روزمره است. برای تحقق این امور، همگان باید از الگوهای رفتاری معینی پیروی کنند. ایجاد این فرهنگ حقوق بشر و دموکراسی در گرو کوشش‌های مشترک آموزش‌گران، خانواده‌ها، رسانه‌های گروهی، سازمان‌های بین‌حکومتی و غیرحکومتی^۲، یا به عبارت دیگر، مجموع تمام فعالان اجتماعی و جامعه‌ی مدنی است.

یونسکو از بدو تأسیس، آثار و مطالبی را در زمینه‌ی آموزش حقوق بشر برای تمام سطوح آموزشی و برای عامه‌ی خوانندگان، و نیز

۱. در ماه مه ۱۹۹۷ نزدیک به ۴۳۰۰ مدرسه در ۱۴۱ کشور در این طرح مشارکت داشتند.
۲. از آن‌جا که بسیاری از «سازمان‌های غیرحکومتی» به ویژه در کشورهای جنوب و ابستگی کمابیش زیادی به دولت‌هایشان دارند، به جای عبارت رایج «سازمان‌های غیردولتی»، برگردان «سازمان‌های غیرحکومتی» انتخاب شده تا خلط مبحث پیش نیاید. البته مترجم دولت را به معنای مجموعه‌ی نظام حاکم در نظر می‌گیرد که حکومت بخشی از آن است و بسیاری از نهادهای غیرحکومتی را نیز شامل می‌شود.

برای مبارزان و سازمان‌های غیرحکومتی فعال در راه ارتقای حقوق بشر منتشر کرده است.^۱ چاپ اول کتاب پرسش و پاسخ درباره‌ی حقوق بشر که به قلم لیائوین، کارشناس انگلیسی برجسته‌ی حقوق بشر نوشته و به کاریکاتورهای پلانتو، کاریکاتورگر معروف فرانسوی آراسته گشته، در ۱۹۸۱ به چاپ رسیده است. در هر حال این نکته مسلم و آشکار شده که کتاب حاضر، وسیله‌ی بسیار مناسبی برای آموزش حقوق بشر است و به پانزده زبان نیز ترجمه شده است.^۲

از زمان انتشار چاپ اول انگلیسی این کتاب^۳، دنیا شاهد رویدادهای بسیار مهمی بوده است. با پایان رویارویی شرق و غرب، مناقشه‌ی عقیدتی درباره‌ی مفاهیم و اولویت‌های اساسی در میان مقوله‌های مختلف حقوق بشر، جای خود را به توافق همگانی در مورد اهمیت حیاتی رعایت این حقوق برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی داده است. از این پس بسیاری از ملت‌ها می‌پذیرند که دولت‌ها نباید بتوانند نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را به بهانه‌ی حفظ حاکمیت توجیه کنند. در نتیجه حوزه‌ی صلاحیت قضایی ملی محدود می‌گردد و اصول عدم مداخله و عدم دخالت با انعطاف‌پذیری بیشتری

۱. اولین اثر در این زمینه در ۱۹۴۹ منتشر شده است:

(*Autour de la nouvelle Déclaration universelle des droits de l'homme*)

پس از این تاریخ یونسکو حدود دویست اثر درباره‌ی مسائل مربوط به حقوق بشر منتشر کرده است.

۲. فرانسوی (۱۹۸۱)، اسپانیایی (۱۹۸۲)، آلمانی (۱۹۸۳)، فنلاندی (۱۹۸۳)، یونانی (۱۹۸۵)، پرتغالی (۱۹۸۵)، سوئدی (۱۹۸۵)، عربی (۱۹۸۶)، دانمارکی (۱۹۸۶)، اندونزیایی (۱۹۸۷)، ژاپنی (۱۹۸۸)، روسی (۱۹۹۳)، اسلواکی (۱۹۹۳)، ارمنی (۱۹۹۴) و بیلاروسی (۱۹۹۵).

۳. دومین چاپ انگلیسی (که در آغاز ۱۹۸۹ به انتشار رسیده) روزآمد شده اما اصلاح نگشته است.

تفسیر می‌شوند. بدین ترتیب امکانات جدیدی برای مؤثرتر ساختن ساخت‌کارهای بین‌المللی نظارت پدیدار می‌گردند. در مناسبات دوجانبه و چندجانبه، رعایت حقوق بشر اهمیت تازه‌ای به دست آورده است. این امر تا حدی حاصل فرایند گسترش دموکراسی است که در بسیاری از بخش‌های دنیا دیده می‌شود. به طور کلی رعایت عملی حقوق بشر یکی از معیارهای اصلی پذیرش ارزش‌های دموکراتیک به حساب می‌آید.

به علاوه چندین سند جدید مربوط به حقوق بشر به تصویب رسیده و دولت‌های جدیدی که پس از پایان جنگ سرد شکل گرفته‌اند، به پیمان‌ها و معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر پیوسته‌اند. چند کنفرانس جهانی مهم به حقوق بشر اختصاص یافته است. در آفریقای جنوبی نظام جدایی نژادی فرو پاشیده و یک جامعه‌ی دموکراتیک غیرنژادی در حال ساخته شدن است.

تمام این رویدادها ضرورت انتشار چاپ تازه‌ای از پرسش و پاسخ درباره‌ی حقوق بشر را آشکار ساخته بودند و به همین سبب یک بار دیگر از نیالوین خواسته شد که به این کار پردازد.

این چاپ جدید با وجودی که در موارد بسیاری اصلاح، دگرگون و روزآمد شده، ساختار چاپ نخست را تا حد زیادی حفظ کرده است. در بخش اول کتاب شرح مختصری از گستره و معنای قوانین بین‌المللی حقوق بشر آمده است. در این بخش به ویژه به توصیف رویه‌ها و شیوه‌های حفظ حقوق بشر و نیز به اهمیت آموزش حقوق بشر توجه شده است. در بخش دوم معنای هر یک از سی ماده‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که پنجاهمین سالگرد تصویب آن در ۱۹۹۸ جشن گرفته می‌شود، آمده است.

پلانتو تصویرگری این چاپ جدید را پذیرفته و یونسکو از وی

بسیار سپاس‌گزار است که نیروی تصویر را در خدمت آموزش حقوق بشر گذاشته است.

در واقع چاپ دوم این کتاب حاصل تلاش مشترک تعدادی از سازمان‌ها و افراد است. «بخش حقوق بشر، دموکراسی و صلح» وظیفه‌ی خود می‌داند که از تمام سازمان‌های بین‌المللی که به تدوین متن این کتاب یاری رسانده‌اند، به ویژه از سازمان‌های زیر، صمیمانه سپاس‌گزاری کند: مرکز حقوق بشر ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار، کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، شورای اروپا، سازمان وحدت آفریقا، سازمان دولت‌های آمریکایی و سازمان امنیت و همکاری در اروپا.

بخش حقوق بشر، دموکراسی و صلح همچنین از کارکنان مرکز حقوق بشر دانشگاه اسکس (انگلستان) و نیز از پژوهش‌گر محترم، سری شپارد که در تهیه‌ی متن کتاب به نیالوین یاری رسانده‌اند، سپاس‌گزاری می‌کند. بنا به درخواست نویسنده‌ی این کتاب، مراتب سپاس بی‌کران خود را از اداره‌ی سوئدی کمک به توسعه‌ی بین‌المللی، به سبب پشتیبانی بی‌دریغش از کارهای پژوهشی اعلام می‌کنیم.

ما امیدواریم که این کتاب به شناخت قواعد و رویه‌های مربوط به حقوق بشر یاری رساند و از همین رهگذر در تحقق اهداف دهه‌ی ملل متحد برای آموزش حقوق بشر سهمیم باشد.

یانوس سیمونید

مدیر بخش حقوق بشر، دموکراسی و صلح

ولادیمیر ولودین

رئیس واحد حقوق بشر این بخش

www.KetabFarsi.com

بخش اول

قوانین بین‌المللی حقوق بشر

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

۱. «حقوق بشر» یعنی چه؟

تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. این حقوق معنوی، سلب‌ناپذیر و ذاتی هر فردی به مثابه موجود بشری هستند و در قالب همان چیزی تدوین و بیان شده‌اند که امروزه حقوق بشر نامیده می‌شود. آن‌ها متناسب با قواعد حقوقی رایج در جوامع ملی و نیز بین‌المللی، به صورت حقوق قانونی وضع شده‌اند. مبنای این حقوق، رضایت حکومت‌شوندگان یعنی افراد صاحب حق است.

۲. آیا مفهوم حقوق بشر پذیرش عام و جهان‌گستر یافته است؟

اعتقاد به حیثیت و کرامت و برابری تمام افراد نوع بشر، همانند بسیاری از دیگر اصول اساسی سازنده‌ی شالوده‌ی آن‌چه امروزه حقوق بشر نام

گرفته است، تقریباً در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، دین‌ها و سنت‌های فلسفی باز یافته می‌شود.^۱

۳. این ارزش‌ها چگونه در عمل به اجرا درمی‌آیند؟

در تمام طول تاریخ بشر، زندگی و حیثیت و کرامت انسان نقض شده است و امروزه نیز هنوز نقض می‌شود. با این همه مفهوم قواعد مشترک برای تمام شهروندان به چند قرن پیش بازمی‌گردد. این قواعد که به «حقوق طبیعی» موسوم‌اند، مستلزم وجود مجموعه‌ای از قوانینی هستند که باید بر زندگی جوامع حاکم باشند. اصل برابری در حقوق (رجوع کنید به بخش دوم، ماده‌ی اول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر) که در حقوق طبیعی به رسمیت شناخته شده، از مدت‌ها پیش در بسیاری از جوامع پذیرفته شده بوده است. ولی این امر مانع از آن نشده که تبعیض تارو زگار ما ادامه یابد، تبعیضی که حاصل نادانی، انواع پیش‌داوری‌ها و آموزه‌های گمراه‌کننده‌ای است که برای توجیه نابرابری به کار گرفته می‌شوند. در تمام طول تاریخ چنین آموزه‌هایی برای دفاع از بردگی و تبعیض مبتنی بر جنس، نژاد، رنگ، تبار، منشأ ملی یا قومی یا اعتقاد دینی یا برپایه‌ی نظام طبقاتی یا کاستی به کار گرفته شده‌اند. دریغ‌ناکه در دوران مدرن نیز وضع به همین منوال است.

۴. مفهوم حفظ حقوق بشر چگونه رواج فزاینده یافته است؟

اندیشه‌ی تدقیق و حفظ حقوق بشر به تدریج به تدوین قواعد مکتوب انجامیده است. بعضی از متون در این مورد تاریخ‌ساز بوده‌اند، مانند منشور کبیر (Magna Carta) (۱۲۱۵)، درخواست حقوق (۱۶۲۸) و

منشور حقوق (۱۶۸۹) در انگلستان. در قرن هجدهم برای نخستین بار در تاریخ بشر، حقوق طبیعی به مثابه حقوق قانونی به رسمیت شناخته شدند و به یکی از عوامل اساسی قانون اساسی بعضی از کشورها بدل گشتند. بدین ترتیب رابطه‌ای مبتنی بر قرارداد میان دولت و فرد برقرار شد و رضایت آزادانه‌ی فرد، مبنای قدرت دولت گشت. اعلامیه‌ی فرانسوی حقوق بشر و شهروند (۱۷۸۹) و منشور حقوق شهروندان آمریکایی (۱۷۹۱) بر همین اصل استوار شده‌اند. در جریان قرن نوزدهم این اصل را تعدادی از دولت‌های مستقل پذیرفتند و حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز اندک‌اندک به رسمیت شناخته شده‌اند. با این همه حقوق بشر، به‌رغم شناسایی در قانون‌های اساسی، در مواردی با مقررات قانونی و شاید به‌طور کلی با ساخت‌کارهای اجتماعی سنتی، گاهی محدود یا نقض شده‌اند. به علاوه حقوق بشر را به‌رغم برخورداری از وضعیت قانونی، غالباً خود دولت‌ها نقض کرده‌اند.

۵. ضرورت بین‌المللی شدن حفظ حقوق بشر چگونه شکل گرفته است؟

نخستین قراردادهای بین‌المللی در مورد حقوق بشر به آزادی دین (به عنوان مثال قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸) و الغای بردگی مربوط می‌شدند. بردگی در ۱۸۱۵ در کنگره‌ی وین محکوم شده بود و تعدادی از قراردادهای بین‌المللی درباره‌ی الغای بردگی در دومین نیمه‌ی قرن نوزدهم به امضا رسیدند (به عنوان مثال قرارداد واشینگتون در ۱۸۶۲، اسناد کنفرانس‌های بروکسل در ۱۸۶۷ و ۱۸۹۰ و برلین در ۱۸۸۵). دیگر عرصه‌ی همکاری بین‌المللی، تدوین قوانین جنگ بود (به عنوان مثال اعلامیه‌ی پاریس در ۱۸۵۶، اولین و دومین معاهده‌های ژنو در

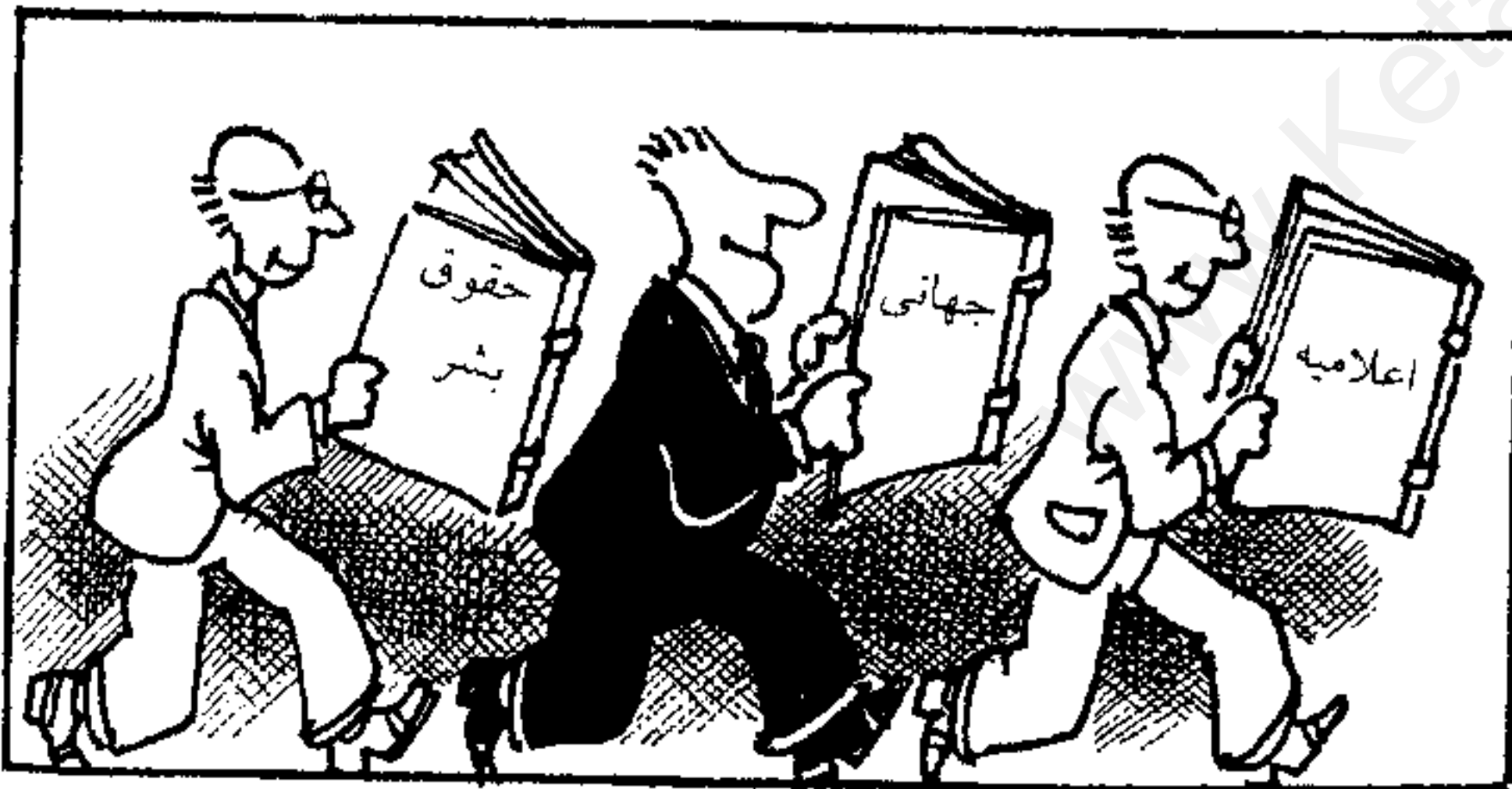
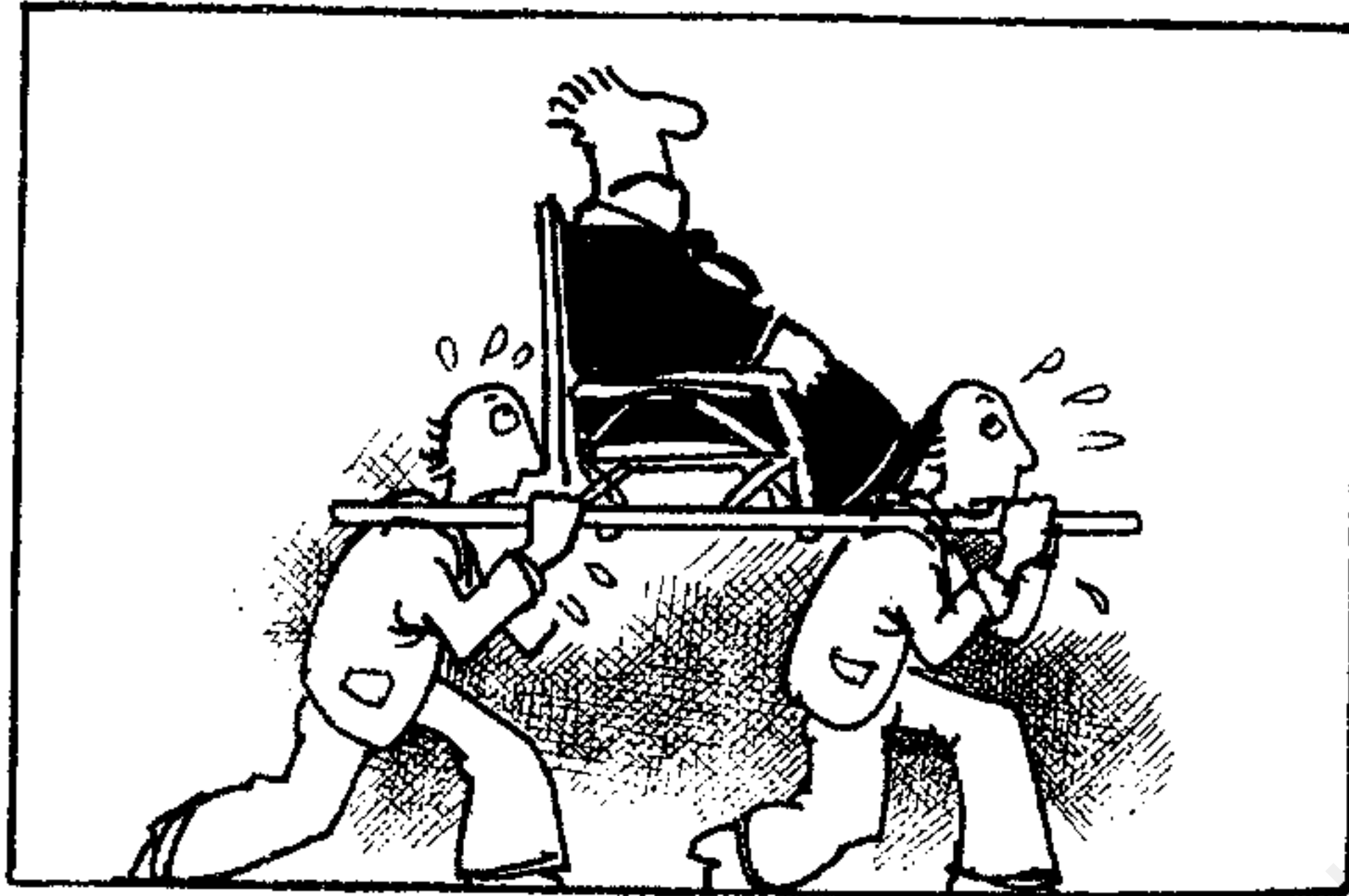
۱۸۶۴ و ۱۹۰۶، و معاهده‌های لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷). ایجاد کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) در ۱۸۶۴ نیز نشان‌دهنده‌ی پیشرفتی مهم بوده است.^۲

با این همه پس از جنگ جهانی اول، این اندیشه رواج روزافزون یافته که حکومت‌ها به تنهایی نمی‌توانند حفظ حقوق بشر را که به ضمانت‌های بین‌المللی نیاز دارد، تضمین کنند. در شرح وظایف ملل متحد، نخستین سازمان بین‌حکومتی جهانی که پس از جنگ جهانی اول ایجاد شده بود، به حقوق بشر اشاره نشده بود. با این همه ملل متحد کوشید با وسایل بین‌المللی به حفظ این حقوق بپردازد، اما تلاش‌هایش در اساس به تعیین شرایطی برای حمایت از اقلیت‌ها در چند کشور محدود شد.

قواعد معین‌کننده‌ی شرایط کار کارگران صنعتی که در آغاز قرن بیستم وضع شده بودند، بعدها موضوع توافق‌نامه‌های بین‌المللی ای شدند که سازمان بین‌المللی کار (ILO) آن‌ها را تدوین کرده بود. این سازمان در ۱۹۱۹ ایجاد شده بود. معاهده‌ی مربوط به بردگی که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ در ژنو به امضا رسید، فرجام‌بخش تلاش‌های طولانی برای الغای این پدیده‌ی شوم بود. معاهده‌های ضروری برای حمایت از پناهندگان در ۱۹۳۳ و ۱۹۳۸ به تصویب رسیدند. با این همه، به رغم تمام این معاهده‌ها، در فاصله‌ی میان دو جنگ جهانی، از قوانین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر نشانی نبود.

نظام‌های توتالیتری که در دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ حاکم شده بودند، حقوق بشر را در سرزمین‌های خود بی‌شرمانه نقض می‌کردند. جنگ جهانی دوم نیز با تجاوزات گسترده به حیات و حیثیت و کرامت بشر، و با تلاش در راه نابودی گروه‌های کاملی از مردم، به سبب تژاد، دین یا





PLONK

این کاریکاتور برای نخستین بار در کتاب زیر چاپ شده است:

Pauvres chéris, Paris, Éditions du Centurion.

ملیت‌شان همراه بود. بدین ترتیب مسلم و آشکار شد که اسناد بین‌المللی برای تدوین و حفظ حقوق بشر ضروری هستند، زیرا رعایت این حقوق یکی از شرایط اساسی صلح جهانی و پیشرفت بشر است.

۶. حمایت از حقوق بشر چگونه در عمل به نتیجه رسیده است؟

منشور ملی متحد که در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ به امضا رسیده، با بیان ضرورت حمایت از حقوق بشر، به این اندیشه ارزش بیشتری داده است. این منشور هدف اساسی این سازمان بین‌المللی را به ترتیب زیر بیان می‌کند: «در امان داشتن نسل‌های آینده از آفت جنگ» و «اعلام مجدد ایمان به حقوق اساسی انسان، حیثیت و کرامت و ارزش شخص آدمی و برابری حقوق مردان و زنان». براساس ماده‌ی ۱ منشور، یکی از هدف‌های ملل متحد دستیابی به همکاری بین‌المللی «از رهگذار گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از تمایزات نژادی، جنسی، زبانی یا دینی» است. بدین ترتیب بر اصل عدم تبعیض صحه گذاشته می‌شود. همین هدف در ماده‌ی ۵۵ نیز بیان شده است. و سرانجام براساس ماده‌ی ۵۶، تمام اعضای سازمان ملل متحد «متعهد می‌شوند که برای رسیدن به هدف‌های ذکر شده در ماده‌ی ۵۵، در همکاری با سازمان ملل متحد، به اقدامات فردی یا دسته‌جمعی دست بزنند».

مقررات منشور ملل متحد در حکم قرارگیری بین‌المللی وضعی هستند، زیرا این منشور نوعی قرارداد است و به همین سبب از اسناد حقوقی الزام‌آور به حساب می‌آید. تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد باید تعهداتی را که در منشور پذیرفته‌اند، با حسن نیت به جا

آورند: تعهد به گسترش و تشویق رعایت و حفظ حقوق بشر، تعهد به همکاری با سازمان ملل متحد و دیگر دولت‌ها برای تحقق این هدف‌ها. با این همه منشور، حقوق بشر را مشخص نمی‌سازد و هیچ ساخت‌کار ویژه‌ای برای اجرای آن‌ها در درون دولت‌های عضو تعیین نمی‌کند.

۷. قانون بین‌المللی حقوق بشر چگونه شکل گرفت؟

وظیفه‌ی ضروری نگارش منشور بین‌المللی حقوق بشر که حقوق و آزادی‌های مندرج در منشور ملل متحد را تعریف کند بر عهده‌ی کمیسیون حقوق بشر گذاشته شد. این کمیسیون در ۱۹۴۵ به مثابه نهاد تابع شورای اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده بود؛ خود این شورا نیز یکی از نهادهای اصلی سازمان ملل متحد به حساب می‌آید. نخستین گام در راه نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ برداشته شد: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را به مثابه اولین و مهم‌ترین عامل منشور بین‌المللی پیش‌بینی شده‌ی حقوق بشر تصویب کرد.^۲ این اعلامیه «هدف مشترکی را که تمام خلق‌ها و تمام ملت‌ها باید به آن دست یابند» معین می‌ساخت.

۸. چه حقوقی در اعلامیه‌ی جهانی بیان شده‌اند؟

این حقوق را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته‌ی اول به حقوق مدنی و سیاسی مربوط می‌شود: حق حیات، آزادی و امنیت شخصی؛ نبود بردگی و شکنجه؛ برابری در مقابل قانون؛ در امان بودن از دستگیری و حبس یا تبعید خودسرانه؛ حق دادرسی منصفانه؛ حق

مالکیت؛ مشارکت سیاسی؛ حق ازدواج؛ آزادی‌های اساسی اندیشه، وجدان و دین، عقیده و بیان؛ آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز؛ حق شرکت در اداره‌ی امور عمومی کشور، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند. دسته‌ی دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه حقوق زیر را در بر می‌گیرد: حق کار؛ حق مزد مساوی در مقابل کار مساوی؛ حق ایجاد اتحادیه‌ها و پیوستن به آن‌ها؛ حق سطح زندگی مناسب؛ حق آموزش و پرورش؛ حق مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی.

ماده‌ی نخست «اعلامیه»، سرشت عام و جهان‌گستر حقوق را با واژگان برابر بودن شایستگی تمام افراد بشر بیان می‌کند؛ در ماده‌ی دوم آمده است که هرکس می‌تواند بی‌هیچ تمایزی از تمام حقوق ذکر شده در «اعلامیه» بهره‌مند گردد. اصل اساسی و بنیادی حقوق ذکر شده در «اعلامیه» در دیباچه‌ی آن بیان شده که از همان آغاز «شایستگی ذاتی تمام اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان» را می‌پذیرد. در بخش دوم کتاب حاضر معنای هر یک از ماده‌های اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تشریح شده است.

۹. آیا دولت‌هایی که به هنگام تصویب اعلامیه‌ی جهانی عضو سازمان

ملل متحد نبوده‌اند، این اعلامیه را پذیرفته‌اند؟

اگرچه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر از نظر حقوقی الزام‌آور نیست، اصول اساسی آن در جریان گذشت زمان ارزش قواعدی را کسب کرده‌اند که تمام دولت‌ها باید آن‌ها را رعایت کنند. هنگامی که اعلامیه به تصویب رسید، فقط پنجاه و هشت دولت عضو سازمان ملل متحد بودند. از آن پس این تعداد بیش از سه برابر افزایش یافته است.^۳ تأثیر

مداوم و کاربرد فزاینده‌ی اعلامیه، پذیرش جهان‌گستر آن را نشان می‌دهد. در عرصه‌ی حقوق بشر، این اعلامیه برای تمام کشورها به مرجع مشترک بدل شده است.

برای میلیون‌ها انسانی که زیر یوغ استعمار به سر می‌بردند، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد مایه‌ی الهام و ابزاری کارساز بوده و در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به آنان در دست‌یابی به استقلال و حق تعیین سرنوشت باری رسانده‌اند. بسیاری از دولت‌های تازه تأسیس مقررات این اعلامیه را در قانون اساسی خود گنجانده‌اند.

در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر که در ۱۹۶۸ در تهران برگزار شد، هم‌نظری جامعه‌ی بین‌المللی در قالب این عبارات بیان شد که: «اعلامیه‌ی جهانی درک مشترک تمام ملت‌های دنیا را از حقوق سلب‌ناپذیر و نقض‌نشدنی ذاتی تمام اعضای خانواده‌ی بشری بیان می‌کند و متضمن تعهدی برای اعضای جامعه‌ی بین‌المللی است».^۵ بیست و پنج سال بعد، در کنفرانس جهانی حقوق بشر که از ۱۴ تا ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ در وین (اتریش) برگزار شد، ۱۷۱ دولت تأکید مجدد کردند که اعلامیه‌ی جهانی «سرمشقی مشترک برای عمل تمام مردمان و تمام ملت‌ها است»^۶ و «تمام دولت‌ها، صرف‌نظر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود وظیفه دارند که به ترویج و حفظ تمام حقوق بشر و همه‌ی آزادی‌های اساسی بپردازند».^۷

۱۰. منشور بین‌المللی حقوق بشر از چه اسناد دیگری تشکیل شده است؟

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نخستین بخش یک مجموعه‌ی سه‌گانه بوده است. دو بخش دیگری که بایستی محتوای مقررات این اعلامیه را

مشخص سازند، سال‌ها بعد کامل شدند. در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، مجمع عمومی ملل متحد دو پیمان را به تصویب رساند: پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. مقوله‌نامه‌ی اختیاری مربوط به پیمان دوم، شکایت‌های افرادی را مجاز می‌شمرد که مدعی هستند قربانی نقض حقوق مندرج در این پیمان شده‌اند. جامعه‌ی بین‌المللی با تصویب این پیمان‌ها نه فقط در مورد محتوای هر یک از حقوق ذکر شده در اعلامیه‌ی جهانی، بلکه در مورد تدابیر ضروری برای تحقق عملی آن‌ها نیز به توافق رسیده است. گام بعدی هنگامی برداشته شد که در دسامبر ۱۹۸۹، مجمع عمومی دو میس مقوله‌نامه‌ی اختیاری مربوط به پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرد. هدف این مقوله‌نامه الغای مجازات اعدام است.

تصویب این دو پیمان، قطع‌نامه‌ی مصوب مجمع عمومی در ۱۹۵۰ را تأیید می‌کند که بر طبق آن «بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی و سیاسی و بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همدیگر وابسته‌اند و یکدیگر را متقابلاً مشروط می‌سازند».

۱۱. پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر چه تفاوتی با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دارند؟

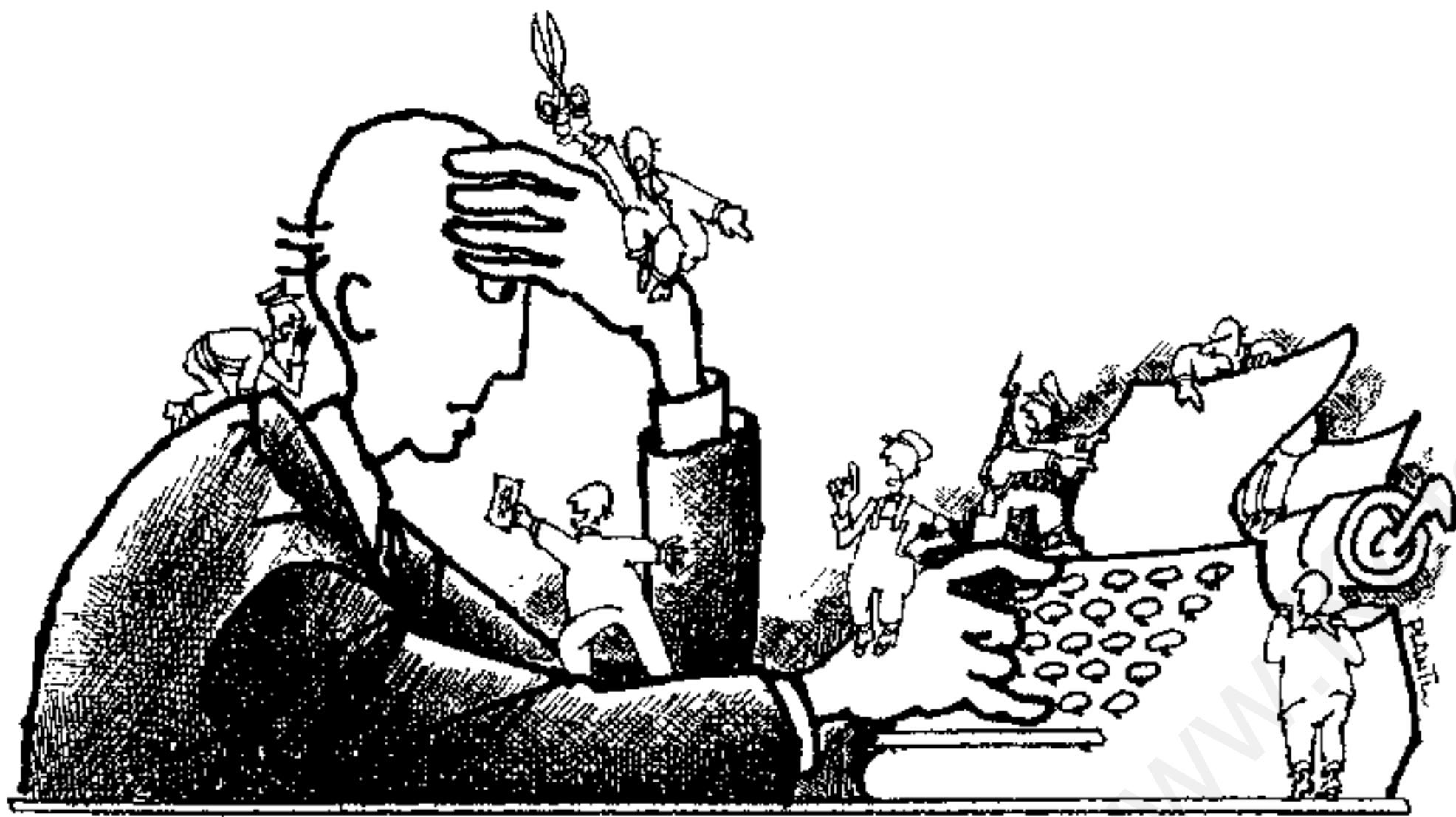
این پیمان‌ها، برخلاف اعلامیه‌ی جهانی، دارای دادگاهی هستند که برای دولت‌های امضاکننده‌شان از نظر حقوقی الزام‌آوراند. در نتیجه این دولت‌ها باید آیین‌نامه‌ی اجرایی پیمان‌ها را رعایت کنند و به‌ویژه گزارش‌های ادواری درباره‌ی نحوه‌ی برآوردن تعهدات مندرج در هر یک از این دو پیمان را ارائه نمایند. این دو پیمان در ۱۹۷۶ به اجرا

گذاشته شدند. از آن پس در حدود ۱۳۰ دولت به آن‌ها پیوسته‌اند.^۸ از این مقاوله‌نامه‌ی اختیاری مربوط به پیمان بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی نیز در ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد و تاکنون در حدود ۹۰ دولت آن را امضا کرده‌اند.^۹ دومین مقاوله‌نامه‌ی اختیاری که در ۱۹۹۱ به اجرا درآمده تاکنون به امضای تقریباً ۳۰ دولت رسیده است.^{۱۰}

۱۲. پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از چه حقوقی حمایت می‌کند؟

این پیمان، حقوق سیاسی و مدنی ذکر شده در اعلامیه‌ی جهانی را تشریح می‌کند: حق حیات، حق احترام به زندگی خصوصی، حق دادرسی منصفانه، آزادی بیان، آزادی دین، منع شکنجه و برابری در مقابل قانون.

بعضی از این حقوق هنگامی ممکن است به حالت تعلیق درآیند که «یک خطر عمومی و استثنایی حیات ملت را تهدید کند»، البته مشروط بر این که تدابیر سرپیچی‌کننده از الزامات مقرر در این پیمان، با هیچ تبعیضی مبتنی بر نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین یا منشأ اجتماعی همراه نباشد. اگر دولتی بخواهد از این حق سرپیچی از الزامات استفاده کند، باید دبیر کل سازمان ملل متحد را بی‌درنگ باخبر سازد. متأسفانه در اغلب موارد اعلام وضعیت اضطراری، اوضاع مناسب برای تجاوزات و خیم به حقوق بشر را فراهم می‌آورد. البته این پیمان در هیچ اوضاع و احوالی، نه در دوران صلح و نه در دوران جنگ، نقض حقوق اساسی زیر را مجاز نمی‌شمرد: حق زندگی، حق شخصیت حقوقی، منع شکنجه و بردگی، آزادی اندیشه، اعتقاد و دین، منع زندانی کردن شخص صرفاً به علت ناتوانی در انجام الزامات ناشی از تعهد، منع



سجانات، شخص به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان وقوع، جرم بوده است.

۱۳ برای به اجرا درآمدن مقررات پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چه وسایلی پیش‌بینی شده است؟

ماده‌ی ۲۸ این پیمان ایجاد کمیته‌ی حقوق بشر را مقرر کرده است. این کمیته از ۱۸ کارشناس مستقل تشکیل شده که آنان را دولت‌های عضو همین پیمان نامزد کرده و برگزیده‌اند. اعضای کمیته‌ی حقوق بشر در جلسات براساس صلاحیت‌های شخصی خود و به عنوان افراد مستقل حضور می‌یابند؛ به عبارت دیگر آنان به نمایندگی از طرف کشورهای خودشان عمل نمی‌کنند. کمیته‌ی حقوق بشر اجرای این پیمان را به چندین شیوه پی‌گیری می‌کند.

در وهله‌ی نخست، کمیته گزارش‌های ادواری هر دولت عضو پیمان را درباره‌ی تدابیری که برای به اجرا درآوردن مقررات آن در پیش گرفته است، بررسی می‌کند (ماده‌ی ۴۱). هر دولتی باید چنین گزارشی را در ظرف یک سال پس از پیوستن به این پیمان و سپس در زمان‌هایی که کمیته معین می‌کند، تقدیم بدارد. گزارش‌ها در جلسات علنی و با حضور نماینده‌ی دولت موردنظر بررسی می‌شوند و اعضای کمیته می‌توانند از او پرسش‌هایی به عمل آورند. پس از به پایان رسیدن بررسی گزارش هر یک از دولت‌های عضو، کمیته ملاحظات نهایی خود را منتشر می‌سازد که مهم‌ترین نکات موضوع بحث و نیز پیشنهادها و توصیه‌های مربوط به راه‌های اجرای بهتر پیمان به دولت مورد نظر را در بر می‌گیرند.

در وهله‌ی دوم کمیته می‌تواند شکایت هر دولت عضو را از یک دولت

عضو دیگر بررسی کند، مشروط بر این که هر دو دولت در اعلامیه‌ی ویژه‌ای، صلاحیت کمیته را در این مورد پذیرفته باشند (ماده‌ی ۴۱). البته تاکنون هیچ شکایتی از این نوع دریافت نشده است.

و سرانجام کمیته محتوا و معنای ماده‌های خاص این پیمان را در «ملاحظات عام» خود بررسی می‌کند. مجموع این ملاحظات عام در حکم رویه‌های قضایی پیمان هستند و در نتیجه می‌توانند دولت‌های عضو را در اجرای تعهداتی که به موجب این پیمان بر عهده گرفته‌اند، و نیز در تدوین گزارش‌های‌شان راهنمایی کنند.

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را از رهگذر شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌کند.

۱۴. نظام گزارش‌گری کمیته‌ی حقوق بشر چه تأثیری دارد؟

از آن‌جا که محافظت از حقوق بشر در تحلیل نهایی به رعایت آن‌ها در سطح ملی وابستگی دارد، قدرت کمیته‌ی حقوق بشر محدود است، زیرا هیچ راه چاره‌ای جز بیان ملاحظات خود ندارد. با این همه بررسی علنی گزارش‌های دولت‌های عضو پیمان از نوعی قدرت اقناعی برخوردار است، زیرا دولت‌ها معمولاً نسبت به انتقادهای علنی‌ای که از آن‌ها می‌شود، حساس هستند. به علاوه مهم‌ترین علت وجودی کمیته، برقراری گفت‌وگوی سازنده با دولت‌های ارائه‌کننده‌ی گزارش‌ها، و از این رهگذر، تشویق دولت‌ها به پیروی از مقررات این پیمان است.

دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که مردم را با متن پیمان آشنا سازند، آن را به زبان اصلی کشورشان ترجمه کنند و توجه مقامات اداری و قضایی را به آن جلب نمایند.

۱۵. آیا کمیته‌ی حقوق بشر می‌تواند شکایات‌های افراد را بررسی کند؟

به موجب مقررات مقاله‌نامه‌ی اختیاری پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کمیته می‌تواند شکایات‌های افرادی را که ادعای کمیته‌ی قربانی تجاوز به حقوق ذکر شده در پیمان شده‌اند، دریافت کند. متأسفانه بهر این که دولت مورد نظر این مقاله‌نامه‌ی اختیاری را امضا کرده باشد، این شکایات‌ها به صورت اطلاعیه‌های مکتوب خطاب به کمیته تقدیم می‌شوند. کمیته همچنین می‌تواند اطلاعیه‌های نمایندگان قربانیانی را بپذیرد که شخصاً قادر به تماس با آن نیستند.

کمیته در ابتدا درباره‌ی «دریافت‌پذیری» شکایت نظر می‌دهد و سپس «اساس و محتوای» آن را در جلسات خصوصی، یعنی فقط در حضور اعضای کمیته بررسی می‌کند. شکایتی در یافت‌پذیر است که نام شاکی آن معین باشد، از آیین‌نامه‌ی تقدیم اطلاعیه‌ها تخلف نکند، در یک مرجع بین‌المللی دیگر در حال بررسی نباشد و سرانجام تمام راه‌های دادخواهی ممکن را بر اساس قوانین داخلی کشور خود طی کرده باشد.

کمیته پس از بررسی - محرمانه‌ی - اطلاعیه‌ها، از این صلاحیت برخوردار است که وقتی شکایت فردی را دریافت‌پذیر دانست، آن را به اطلاع دولت عضو مورد نظر برساند. این دولت متعهد می‌شود که در عرض شش ماه توضیحات مکتوبی درباره‌ی موضوع طرح شده و اطلاعاتی درباره‌ی تدابیر ممکن برای رفع مشکل و اصلاح وضعیت تقدیم کند. کمیته تمام اطلاعات مکتوب در باطنی از فرستاده‌ی اطلاعیه، قربانی مفروض و دولت عضو مورد نظر را بر می‌کشد و درباره‌ی اساس موضوع «ملاحظات و تصمیماتی» را تصویب و به دولت عضو و فرد مورد نظر ابلاغ می‌نماید و انتظار دارد که دولت عضو



آن‌ها را در نظر گیرد و رعایت کند. کمیته همچنین تصمیمات و ملاحظات خود را منتشر می‌سازد.

۱۶. آیا دولت‌ها به «تصمیمات» این کمیته احترام می‌گذارند؟

کمیته‌ی حقوق بشر ملاحظات خود را به صورت آرای حقوقی بیان می‌کند، اما هیچ رویه‌ی قضایی برای اجرای آن‌ها وجود ندارد. بنابراین مسئولیت رعایت‌شان صرفاً بر عهده‌ی دولت‌ها است. آن‌ها این کار را به چند دلیل انجام می‌دهند: از روی میل صادقانه به انجام دادن تعهداتی که با امضای پیمان بر عهده گرفته‌اند، و به‌ویژه از سر تمایل به آراستن چهره‌ی بین‌المللی خود.

در مواردی نیز دولت‌ها «تصمیمات» کمیته را به تمامی رعایت نمی‌کنند یا با اکراه به آن‌ها تن در می‌دهند. به عنوان مثال کمیته پس از بررسی شکایتی بر ضد هلند به این نتیجه رسید که تخلفی صورت گرفته است. هلند در عین بیان مخالفت خود با این نتیجه‌گیری «برای احترام به کمیته» مبلغی را داوطلبانه به عنوان غرامت به فرد شاکی داد. اما می‌توان موارد بسیاری را از دولت‌های عضو مثال زد که «تصمیمات» کمیته را به طور کامل اجرا کرده‌اند. فنلاند برای پیروی از تصمیمات کمیته، قانون اتباع بیگانه‌ی خود را تغییر داد تا با مقررات مربوط به بازداشت اتباع بیگانه در پیمان سازگار شود. به همین ترتیب موریتانی نیز در پی حمایت کمیته از شکایت‌های تعدادی از زنان این کشور در مورد مداخله‌ی دولت در امور خانوادگی و تبعیض جنسی، قوانین خود را تغییر داد. کشورهای دیگری نیز به همین ترتیب به «تصمیمات» کمیته درباره‌ی اطلاعیه‌های مربوط به مقاله‌نامه‌ی اختیاری، پاسخ مثبت داده‌اند که از میان آن‌ها به‌ویژه باید از کشورهای



این کاریکاتور برای نخستین بار در کتاب زیر چاپ شده است:

Pauvres chéris, Paris, Éditions du Centurion